

این حق مردم است

بسیاری از صاحب‌نظران، اعتراضات پراکنده اجتماعی در بیش از ۷۰ شهر عمدتاً کوچک در گوشه و کنار کشور را طی دی‌ماه گذشته، نیازمند تحلیل و بررسی‌های عمیق جامعه‌شناختی و کالبدشکافی‌های دقیق و موشکافانه -و نه سردستی، جناحی و سیاسی - ارزیابی می‌کنند، و معتقدند که نباید از ریشه‌شناسی واقع‌بینانه این وقایع به هر بهانه‌ای، سر باززد. درعین حال، اکثریت قاطع ناظران بر یک محور مشترک، انگشت‌تاکید می‌گذارند و آن، وجود کاستی‌های جدی در عرصه اقتصادی و کیفیت و چندوچون توزیع امکانات و خدمات در میان طبقات مختلف مردم و فشارهای آشکار و پنهان وارده بر زندگی طبقات فرودست، کم‌درآمد و متوسط، به پایین جامعه و میلیون‌ها جوان تحصیلکرده جویای کار است.

این البته نکته‌ای نیست که از چشم دولت و مجلس، پنهان مانده باشد. منتقدان منصف می‌دانند که دولت یازدهم و دوازدهم، میراث‌دار اقتصادی درهم ریخته، با رشدی منهای شش‌دهم درصد بود. ازمنظر اقتصاددانان، چنین وضعیتی، گویای قرمزبودن بسیاری از شاخص‌های مهم در حوزه‌هایی چون میزان سرمایه‌گذاری، نرخ اشتغال، نرخ بیکاری و نرخ تورم است. فشار این شرایط، قبل از هرخس، بر دوش طبقات ضعیف‌تر و خانواده‌های آنان قرار داشت و دولت یازدهم کوشید تا با تمرکز بر بازگرداندن ثبات اقتصادی و اعتماد عمومی به کشور و در چارچوب پروژه‌ای ملی چون «برجام»، بسترهای لازم را برای خروج اقتصاد از بحران فراهم سازد. اینک در سال پنجم کار این دولت، هرچند به دلیل کارشنکی‌های آشکار آمریکای ترامپ و پاره‌ای معضلات درونی، برجام به تمامی اهداف خوددست نیافت، اما رفع موانع موجود بر سر راه تامین منابع موردنیاز برای اداره امور جاری کشور از طریق گشودن راه فروش نفت و کلیدزن رونق کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در شهرها و روستاها، همواره در دستورکار قرار داشته است.

بسیاری از ناظران معتقدند مدیریت فضای سیاسی حاکم بر اقتصاد و آزادسازی منابع گسترده داخلی، از جمله برچیدن برخی انحصارات و مشارکت واقعی بخش خصوصی تولیدمحور برای ایفای نقش در توسعه اقتصادملی، از مهم‌ترین نیازهای کشور است که در گرو تصمیمات ارکان نظام و اولویت‌بندی تازه‌ای از راهبردهای اداره امور است. اما تا آن زمان، دولت می‌ماند و امکانات موجود، و چگونگی تدابیری که در قالب برنامه و بودجه سالانه برای پاسخگویی به نیازهای توسعه‌ای کشور، از جمله در حوزه بازتوزیع درآمدها و کمک به رفاه عمومی و بهبود زندگی مردم اتخاذ می‌شود. بحث و گفت‌وگوهای انجام‌شده در متن و حاشیه کمیسیون تلفیق مجلس در بررسی برنامه و بودجه سال ۹۷ یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها در ارزیابی میزان عزم و اراده دولت و مجلس برای غلبه بر مشکلات موجود بود. یکی از این نشانه‌ها، بحث‌هایی است که در مورد اختصاص سهمی از بودجه به پرداخت بخشی از مطالبات سازمان تامین اجتماعی صورت پذیرفته است. بحث‌هایی که نگاه حساس و نگران‌شرکای اجتماعی سازمان -از فعالان کارگری تا کارآفرینان و بازنشستگان- را به خود جلب کرده است. از نحوه نگاه مجلس و دولت به کیفیت محاسبه میزان مطالبات سازمان از نهاد دولت، تا چانه‌زنی‌ها بر سر تعیین رقمی در بودجه ۹۷ کشور برای بازپرداخت بخشی از این مطالبات می‌تواند نمادی باشد از عزم و اراده موجود برای همراهی با نیروهای مولد کشور. آن‌هم در شرایطی که بزرگ‌ترین و محوری‌ترین سازمان بیمه‌گر اجتماعی ایران، به دلایل مختلف با دشواری‌های جدی در تامین نقدینگی موردنیاز ماهیانه خود برای تدارک مستمری‌ها و خدمات درمانی میلیون‌ها بیمه‌شده روبه‌روست.

تقی‌زاده، مدیر عامل صندوق بازنشستگی کشوری شد

با حکم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، «جمشید تقی‌زاده» به‌عنوان مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری منصوب و معرفی شد. جمشید تقی‌زاده که پیش از این، معاون امور مجلس، حقوقی و استان‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود، شنبه ۳۰ دی‌ماه در مراسمی با حضور علی ربیعی در صندوق بازنشستگی کشوری معارفه شد. ربیعی در این نشست، از خدمات و تلاش‌های سه‌ساله محمود اسلامیان، مدیرعامل سابق صندوق بازنشستگی کشوری و ابراهیم صادقی‌فر، سرپرست این صندوق، قدردانی کرد. تقی‌زاده پیش از این ریاست هیئت‌مدیره صندوق بازنشستگی کشوری، و معاونت اشتغال و سرمایه‌گذاری رئیس اسبق سازمان تربیت‌بدنی را عهده‌دار بوده است.

۰۴ | کتینه نو

ویس شتره

مطالبات تامین اجتماعی

چرا تغییر مبنای محاسبه طلب‌های تامین اجتماعی از دولت، غیرممکن است؟

تخفیف، بی‌تخفیف!



دولت مکلف بوده حق بیمه سهم خود را به‌طور یک‌جا در بودجه سالانه کل کشور منظور و به تامین اجتماعی پرداخت کند، اما رعایت‌نکردن این موضوع و عدم تناسب پرداخت‌ها با بدهی‌های ایجادِی، مسئله‌ای به نام بدهی‌های تجمیعی ایجاد کرد.

ماده ۴۹ قانون تامین اجتماعی، چنین مقرر کرده است: «مطالبات سازمان‌ها، صندوق‌ها و موسسات بیمه‌ای فعال در قلمروهای نظام‌تأمين اجتماعی از دولت، بر مبنای ارزش واقعی روز و براساس نرخ اوراق مشارکت پرداخت خواهد شد.» علاوه بر این، در برنامه‌های توسعه‌ای کشور نیز به مقوله بدهی‌های دولت به صندوق‌های بیمه‌ای توجه شده است. قانون برنامه سوم توسعه، اولین قانون برنامه میان‌مدتی بود که به بدهی‌های انباشت‌شده دولت به صندوق‌ها پرداخت. در ماده ۳۹ این قانون، دولت مکلف شد به‌منظور فراهم کردن اسکان خدمات‌دهی بهتر به بیمه‌شدگان، تقویت بنیه مالی و جلوگیری از بروز بحران مالی در تامین اجتماعی، ضمن پرداخت تعهدات سالیانه و ایجادنکردن بدهی جدید، ۵۰ درصد بدهی‌های انباشت‌شده خود به ارزش روز را تا پایان

برنامه، طبق تقاضای سازمان از محل واگذاری سهام، فروش و تهارت اموال و دارایی‌ها و ... تادیه کند. در ماده ۹۶ قانون برنامه چهارم نیز دولت، مکلف به اتخاذ تمهیدات لازم جهت بازپرداخت بدهی‌های خود و تسویه کامل آنها شد. در ماده ۶۶ برنامه پنجم توسعه همین موضوع را موردتوجه قرار گرفت و این وظیفه را برعهده دولت نهاده شد تا دیون مربوط به سهم قانونی دولت را از طریق پیش‌بینی در قوانین بودجه سنوتای تامین و پرداخت کند. در این ماده قانونی تاکید شده بود دولت باید بدهی‌های جاری و معوقه خود را به صندوق‌ها و از جمله تامین اجتماعی، بر مبنای ارزش روز لحاظ و پرداخت کند. در ماده ۱۲

قانون برنامه ششم توسعه نیز کمابیش چنین تکلیفی دیده می‌شود و دولت مکلف شده معادل کل بدهی‌های قطعی خود را تا پایان برنامه از رهگذر انتشار اوراق بهادار و تا سقف مندرج در بودجه سنوتای کشور (سالانه معادل ۱۰ درصد بدهی‌ها) به تامین اجتماعی تادیه کند. تا اینجا مشخص است که قوانین بالادستی در باره نحوه محاسبه بدهی‌های جاری و معوق به دولت گفته‌اند از چه فرمولی استفاده کند. اما سوال این است در روند تاریخی شکل‌گیری و پرداخت بدهی‌های دولت چه الگوی قابل‌ردیابی است؟

■ دولت و پرداخت بدهی‌های ایجادِی

منشأت تعهدات و بدهی‌های دولت به سازمان تامین اجتماعی، بالغ بر ۲۶ مورد است. با این حال سه عامل، در ایجاد آنها نقش بیشتری داشته‌اند. نخست، سه‌درصد حق بیمه سهم دولت، دوم معافیت‌های بیمه‌ای سهم کارفرما یا بیمه‌شده که باز هم دولت ضامن پرداخت آنهاست و سوم، قوانین و مقررات تحمیلی بر تامین اجتماعی که دارای بار مالی هستند و دولت، در ازای آنها تکالیف و تعهدات مالی داشته اما از

از توان این سازمان برای ارائه خدمات به ذی‌نفعان می‌شود و این خلاف قوانین، شرع و منافع ذی‌نفعان است.» فرمول محاسبه فعلی، به استناد احکام قانون ساختار سازمانی نظام رفاه و تامین اجتماعی، «سود مرکب» است و فرمول جانشین، «سود ساده» است. در روش سود مرکب، علاوه بر اصل بدهی که مشمول سود می‌شود، بدهکار باید برای بدهی‌های پرداخت‌شده و اصطلاحا انباشت‌شده خود نیز جریمه دیرکرد به طلب‌کار بپردازد. در روش سود ساده اما خبری از دریافت سود از بدهی‌های انباشت‌شده وجود ندارد و عملا اصل بدهی‌ها، مشمول سود می‌شود. اما آیا چنین تغییری امکان‌پذیر است؟ چطور می‌توان آن را با قوانین و مقررات بالادستی تطبیق داد؟ عملکرد چهارده گذشته دولت‌ها را چطور می‌توان توجیه کرد؟

■ نحوه محاسبه مطالبات در اسناد

و قوانین بالادستی

در نظام‌های بیمه‌های اجتماعی، کارشناسان حوزه رفاه‌تأمين اجتماعی و برخی فعالان شرکای اجتماعی سازمان یعنی نمایندگان نیروهای مولد، کارآفرین و بازنشستگان تحت‌پوشش - شده است. کارشناسان خبره بیمه‌های اجتماعی در این میان می‌گویند تغییر فرمول محاسبه مطالبات با روح قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و دیگر اسناد و قوانین بالادستی، مغایرت دارد و تامین اجتماعی را در روزهایی که با بحران نقدینگی دست و پنجه نرم می‌کند، با فشارهای بیشتری برای عمل به تعهدات خود روبه‌رو خواهد کرد.

■ پاک کردن صورت مسئله بدهی‌ها!

از سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ -که تعادل مالی تامین اجتماعی دستخوش متغیرهای مختلف شد و به عبارتی مصارفش، بر درآمدهایش پیشی گرفت- این سازمان، برای ایفای تعهدات خود به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران، در مقطعی ناچار شد بخشی از دارایی‌های خود را بفروشد و از نظام بانکی وام بگیرد؛ راهکاری که قرار بود موقت و مقطعی باشد و اندکی از فشار کسری منابع نقدی را کم کند. در این سال‌ها همواره تامین اجتماعی گوشه‌چشمی به وضع نهاد دولت داشته و انتظار این می‌رفته است که در این فرصت، دولت با بازبایی خود، و بهبود درآمدهایش از راه مالیات یا فروش نفت و ... به وعده‌اش وفا کرده و بدهی‌های معوق خود را پرداخت کند. این اتفاق، نه تنها نیفتاده، بلکه حالا زمزمه‌هایی تازه مبنی بر تغییر فرمول محاسبه بدهی‌ها شنیده می‌شود. در کنار تلاش‌های رسمی و غیررسمی مدیران سازمان تامین اجتماعی و نمایندگان آن در گفت‌وگو با مجلس و دولتیان برای دفاع از حقوق بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران، علی حیدری -نایب‌رئیس هیئت‌مدیره سازمان تامین اجتماعی- اخیراً از تحرکاتی تازه اما غیررسمی، سخن رانده است. وی در گفت‌وگو با «ایلنا» این تلاش‌ها را به مثابه پاک کردن صورت مسئله بدهی‌ها دانسته و گفته است: «تغییر فرمول محاسبه مطالبات موجب کاسته‌شدن



یکشنبه ● اول بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و هشت

A T I Y E H N O

■ کارنامه دولت در بدهی‌های معوقه

گرچه، طبق قوانینی که شرح آن رفت، دولت مکلف بوده حق بیمه سهم خود را به‌طوریک‌جا در بودجه سالانه کل کشور منظور و به تامین اجتماعی پرداخت کند، اما رعایت‌نکردن این موضوع و عدم تناسب پرداخت‌ها با بدهی‌های ایجادِی، مسئله‌ای به نام بدهی‌های تجمیعی ایجاد کرد. از یک سو، جمعیت زیرپوشش به مرور بیشتر می‌شد که طبیعتاً یک معنای آن، افزایش تعهدات دولت به تامین اجتماعی است و از سوی نیز نمی‌توان از افزایش قوانین و مقررات تحمیلی دارای بار مالی بر تامین اجتماعی (به‌ویژه در دهه ۸۰) گذشت. عمل نکردن دولت به تعهدات، در سال‌هایی که دولت‌های نهم و دهم سکان امور را در دست داشتند، نیز بر آشفتنگی وضع افزود. در چنین شرایطی، به یک‌باره حجم بدهی‌های دولت به تامین اجتماعی بالا رفت، پرداخت کامل بدهی‌ها از توان دولت خارج شد و در سازمان تامین اجتماعی نیز چالش پایداری مالی نمایان شد. گرچه طی سال‌های یادشده روند خلق بدهی‌های انباشته‌شده، اوج گرفت، مشخصاً از سال‌های ۵۶ به بعد بدهی‌های معوقه از بدهی‌های ایجادِی پیشی گرفتند. اگر بتوان دهه ۸۰ را سرآغاز فصل افزایش یک‌باره بدهی‌های انباشت‌شده دولت به تامین اجتماعی دانست، در مقابل، آمارها از پرداختی‌های دولت بابت تسویه بدهی‌های تجمیعی، می‌گویند الگوی رفتاری دولت از الگوی پرنوسان بدهی‌های ایجادِی تبعیت می‌کند. جداول آماری نشان می‌دهند متوسط بدهی‌های انباشته‌شده دولت از سال ۵۶ تا ۹۷، ۹۲ هزار برابر شده است. از نظر تغییرات سالانه در میزان بدهی‌های معوقه اما، بیشترین افزایش بدهی در دولت یازدهم خود را نشان داده است. به طوری که در این سال ۲۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان بدهی جدید برای دولت به علت عمل نکردن به تعهدات جاری و دولت‌های قبل از خود، ایجاد شد. با این حال، آنچه در رفتار نهاد دولت در طی چهاردهه گذشته مشهود است، نبود اختلاف با مسئولان وقت تامین اجتماعی بر سر نحوه محاسبه بدهی‌ها و ملکهف دانستن خود به پرداخت‌ها به ارزش روز است. از سویی، با اینکه در تمام این چهاردهه، هماهنگی و تناسبی میان بدهی‌های ایجادِی و میزان پرداخت‌های دولت وجود نداشته و در نتیجه، بدهی‌های دولت تا پایان سال ۹۳ به حدود ۸۵ هزار میلیارد تومان رسید، این به معنای پرداخت‌نشدن بدهی‌های معوق هم نیست. براساس آمارها، در دوره زمانی ۵۴ تا ۹۳ دولت، ۱۱ درصد بدهی‌های ایجادِی خود را پرداخت کرده و نسبت به پرداخت سه‌درصد از بدهی‌های معوق طبق فرمول سود مرکب اقدام کرد.